

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیاوش آزاد
۲۴ جولای ۲۰۱۹

طیف های توابعان و تئوری تسلیم طلبانه "نمیشه"

توابعان ها و افراد "نادم" عمدتاً با خاستگاه های اجتماعی و فکری خرده بورژوازی در روند مبارزات پرجوش انقلابی ملی و طبقاتی، محصول افت جنبش و استمرار شرایط سرکوب و اختناق رژیم های خودکامه و استعمار در زمان های مختلف بوده اند. همین شرایط ناسازگار و دشوار مبارزاتی، افراد ناپخته سیاسی مربوط به طبقه متوسط خرده مالک شهری و روستائی را که افق تنگ و محدود و تلون فکری همراه با موقعیت سیال اجتماعی شان پیروزی زودرس را در مبارزه مزده می دهد؛ همراه با عدم دسترسی سریع به اهداف معینه، آنان را به ندامت و تا سرحد خدمت به نظام های مستبد و دست نشانده و ارباب استعمارگر و اشغالگر آن ها می کشاند.

یأس ناشی از عدم دسترسی زود هنگام این گونه افراد مشوب و متلون به پیروزی سریع توأم با وسوسه قدرت بعضاً عناصر مسخ شده توابعان را در جو حاکم ارتداد فکری – سیاسی فراگیر ناشی از ضربات دشمنان ملی و طبقاتی و شکست عمدتاً نظامی نهاد های جنبش انقلابی و آزادیخواهانه کشور؛ تا سرحد خودفروشی، معامله گری، فروش اسرار تشکیلاتی به دستگاه های استخباراتی دول میزبان امپریالیستی متجاوز غربی در بدل پول، فروش فعالیت «ملی – دموکراتیک»، «علمی» و «ضد مواد مخدر» و نهاد های سودآور دیگری تحت این نام ها در خارجه، «سیاسی کاری» علنی و زدودن مرز تمایز خود با دیگران و هم رنگ و همکاسه شدن با نیرو های مزدور و مرتجع و همگام شدن با استعمار و اهدافش و «پذیرفتن رهبری اشغالگران در کشور خود» و خدمت به استعمارگر متجاوز و قاتل و خیانت به آرمان رها شده و منافع ملی و... می کشاند.

واقعیت این است که پدیده ها اعم از افراد، دولت ها، احزاب، نهاد ها و نظام های اجتماعی – اقتصادی را از روی ماهیت ساختاری و کارکرد هر یکی می توان شناخت. بناءً در گام نخست باید بکوشیم تا ماهیت یک پدیده را بشناسیم و بعد عناصر متشکله اش را همراه با تضاد ها و روابط آن را با پدیده های محولش.

برای استعمارگر و دسته های ارتجاعی، این در ذات خود یک موفقیت است که فردی یا نهادی را از جمع مبارزان پیشرو ضد استعماری – ارتجاعی برابند، مسخ و متلون سازند و در خدمت اهداف خویش بگمارند و در سنگر مبارزه فکری – سیاسی علیه همزمان و آرمان دیروزی اش، تحت نام های "لیبرالیسم"، "دموکراسی"، "پست مدرنیسم"، "ضد بنیادگرائی"، "اتحادیه های قومی" و غیره لاطائلات... بسپج کنند.

اشغالگران تنها به ندامت منفعل فرد مبارز بسنده نکرده، بلکه بیشتر از آن، از فرد "نادم" خواهان همکاری استخباراتی شده و اسرار سازمانی و ضربه زدن به صفوف انقلابیون را نیز از او می خواهند. در موارد متعددی دیده شده است که پرداخت پول و مستمری ماهانه به افراد و نهاد های منحرف خودفروخته و تسلیم شده به اشغالگران امریکائی، انگلیس، فرانسوی، المانی و غیره، توسط نهاد های استخباراتی اشغالگران، در بدل ارائه گزارش جاسوسی ماهوار از نیض منطقه صورت گرفته است و اگر کسی یا کسانی اعتراض کرده اند، در جواب اعتراض و سؤال شان گفته شده است که "رفیق اگر گزارش ندهیم، پول نمی دهند!".

استعمارگر این هدف پلید را می تواند به شکل ها و شیوه های گوناگون آن تحقق بخشد. از همین روست که استعمارگر عده ای از افراد و گروهک های مطرود و منحرفی را که در گذشته منسوب به جریان های ضد استعماری پیشرو بوده اند و یا هم خود را به سرخاب آن آراسته و مدعی آن بوده اند، در جو مختنق و شرایط ابتر کنونی بدون حساب و کتاب ناشی از ضربات خونین و مرگبار وارده از جانب سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس، جلدان "خلق و پرچم"، امپریالیسم امریکا، دول ارتجاعی منطقه و تنظیم های مزدور جلااد پیشه اخوانی ساخت پشاور و قم؛ خریده و به استخدام می گیرند.

از آن جایی که روشنفکران متلون و فاقد بنیاد های محکم فکری - سیاسی خرده مالک، جنبش انقلابی کشور را در حال فروکش می بینند و اهداف مطروحه را در شاخ آهو و از لحاظ فکری و آرمانی خود را شکست خورده و ناامید احساس می کنند، لاجرم به تئوری های "همیشه"، "حال امکان ندارد"، "اوضاع تغییر کرده"، "حیف این همه رفقای ما که از بین رفتند"، "مجید هم اگر زنده می بود، کاری از دستش بر نمی آمد" و بیان اراجیف دیگری از این قبیل، در کمال بی تفاوتی در قبال جوی های جاری خون هموطنان مظلوم و سرنوشت غمبار مردم و کشور زادگاه شان؛ عده ای در بهترین حالت به گوشه عاقبت خزیده و در اوج فساد ایدئولوژیک و پاسوینته ناشی از آن، چون مورچه و زنبور عسل در فقدان معنویت انقلابی، به زندگی "کارگری" پناه برده و برخی هم در کمال آسایش، نان مفت را به نرخ روز می خورند، لم می دهند، ولی دم نمی زنند. این دسته از توابعان به گذشته تعلق داشته، در اوج افلاس فکری و شخصیتی، پشت نام شخصیت های انقلابی سرفراز، پاکباز و بی غشی که با آن ها هم هويت نیستند و هیچ گونه سنجی با آن سرفرازان اندیشمند و باورمند جنبش انقلابی کشور ندارند، به گونه معامله گرانه و استفاده جویانه خود را مطرح کرده و از گذشته صرف خاطره می گویند و از امروز چیزی برای گفتن ندارند. این قماش خوابیده در لجنزار بعضاً از گذشته می آیند و مستقیم یا غیرمستقیم روی سٹیژ های رنگین ظاهر شده و از میان عالمی از گپ و موضوع و شخصیت، سوژه های باب دندان و جهان نگری انحرافی محدود شان را نقل می کنند.

این دسته اخیر از توابعان مایوس خزیده در مرداب ها، حین خودفروشی و معامله گری بر سر آرمان گذشته و شخصیت های انقلابی چون مجید، رهبر، سرمد، رستاخیز، ملنگ عمار و غیره عقابان مغرور و حین جوفروشی و گندم نمائی، به سر و صورت انقلابیون راستین ادامه کار مسبیرت انقلاب پیوسته لجن پاشیده و به سبوتاژ، مانع تراشی و مزاحمت مصروف اند؛ کثافتکاری که از دیده بینای انقلابیون راستین ادامه کار پنهان و بی پاسخ نمی ماند.

تعدادی از این ندامتکاران حین مسخ فکری در دامن و پناه رژیم های مزدور و دست نشانده و با استفاده از حالت بی موازنگی فکری مقطع معینی تا "تازه اندیشی"، صرف روبل های اهدائی اشغالگران روسی برای ساختن "نماد" سجود و خیانت و دستبوسی "نجیب جلااد" و دویدن در رکاب نمایندگان اشغالگران امریکائی، المانی و... و مطرح کردن تئوری غلط تسلیم طلبانه "تج امپریالیسم با فئودالیسم" و به زعم خود شان به "اصلاح" رژیم ذاتاً فاسد مزدور پیش رفته اند.

توابع در کشور ما طیف های گوناگون دارند. تمامی طیف های رنگارنگ توابع مرتد، چپ نما، منحرف، تسلیم طلب، مسخ شده، مأیوس، همکار و نواله خوار اشغالگران و... یک وجه مشترک دارند و آن عبارت است از دشمنی با تئوری، سازمان و آرمان انقلابی و تخریش سیمای تابناک تاریخ جنبش انقلابی و خدشه دار ساختن آن به اشکال مختلف. این قماش مسحور شده از جلال و جبروت اشغالگران، از واژه ها و ترکیبات "آزادی"، "آزادی و استقلال ملی" و "مبارزه آزادیبخش" به قول معروف چون جن از بسم الله می ترسند و بر جبین خواستاران آزادی مهر جنون را می کوبند. بدتر از همه این که طیف چند رنگ تسلیم شده ها به استعمارگر قاتل و متجاوز حین تغذیه از آخور اشغالگران، تسلیم طلبی خود را با سنگر گرفتن در عقب نام و شهرت نیگوی رفقای جانباز جنبش انقلابی و با سوء استفاده از نام نامی آن ها استنار می کنند تا از این طریق توانسته باشند بوی گند آلود تسلیمی خویش را به استعمار - ارتجاع، عطر افشانی کنند و یا می خواهند بنا به قولی که در گذشته ورد زبان یکی از همین تسلیم شده ها به دشمن و قاتل ملت بود، "در خندق عطر افشانند". اینان غافل از آنند که شب زنده داران و راهروان راستین راه انقلابی کشور دیده بیدار دارند و هیچ چیزی و هر نوع خوش خرامی این منحرفان سنگر گرفته در عقب نام، نام آوران جنبش انقلابی کشور، در پای استعمار و ارتجاع، از نظر آنان پوشیده نمی ماند.

طیف دیگری از این توابع منحرف با سرمایه های صد ها میلیونی ان جی اوئی نتیجه دزدی شان، که حتی توان اداره مستمر یک وبسایت به روز شده را ندارند، برای ضربت زدن جنبش انقلابی از درون و از هیبت انداختن شعار ها و مفاهیم انقلابی، عامدانه و از روی دستور دست به چپ نمائی مضحک زده و حین خدمت به اشغالگران و سرمایه اندوزی و سرمایه گذاری از آن پول کثیف، یک سره گذشته نهاد های جنبش انقلابی و ضد استعماری را تحت نام اکونومیسم، آوانتورسیم و... به باد استهزاء و دشنام گرفته و نزده سال است که دور از آتش و خون و در کمال رفاه و امنیت در پناه اشغالگران امریکائی از موقعیت ریاست "ان جی او" های دزد و غارتگر شان شعار دروغین "جنگ خلق" را سر می دهند؛ شعاری که با گذشت نزده سال از اشغال کشور و سر دادن آن، به دلیل دروغین بودنش، اولین گامش را نگذاشته اند تا مردم به صداقت و جدیت این دسته ریاکار باور کنند.

این طیف های منحرف که هر دو نوع آن زاده انحراف فکری - سیاسی از خط انقلابی و از تبارزات اپورتونیسیم راست است، در تلاش این هستند تا بنا بر اوضاع کنونی جهان و سلطه سنگین امپریالیسم افراد هم قماش خود را با ترویج تئوری های تسلیم طلبانه و ندامت کارانه جلب کرده و اعمال منفعت طلبانه خویش را تشدید و گسترده نمایند.

از جانب دیگر فروکش نمودن نهضت های ضد استعماری و آزادیبخش چه در سطح جهانی و چه در منطقه، توأم با جو حاکم بدون حسابدهی در کشور در کوتاه مدت زمینه ساز آن شده است که از میان این طیف های توابع نهاد های انحرافی و سودجویی در کشور ما تحت نام های خدمت به "قربانیان جنگ"، "انجمن متخصصان"، "اتحادیه دانشمندان"، "مبارزه علیه مواد مخدر" و غیره به کمک دول مهاجم امپریالیستی ایجاد نموده و ضمن فراهم ساختن زمینه های سودجویی و معامله گری توسط این قماش منحرف، تخم پأس و ندامت مزیدی را پاشیده و به افراد این چینی انگیزه بیشتر منفعت طلبی بخشیده و بدین وسیله با خلق امید رسیدن افراد به نان و نوا، افراد منحرف و طماع بیشتری را به خادم مطیع و وفادار درگاه اشغالگران امپریالیست مبدل نمایند.

این عده از افراد نادم آن کفچه ماری را مانند که اشخاص فاقد آگاهی انقلابی را با تزریق سموم کشنده فکری و تبلیغ تئوری های اپورتونیستی، تسلیم طلبانه و ضد انقلابی خویش و با سر دادن شعار همیشگی "نمیشه"، قدرت اندیشه ورزی و عقلانیت محتاجان و مستمندان را زائل سازند.

طیف تسلیم طلب توابع پسمانده خور خوان یغمای استعماری همیشه در اشتیاق سهیم شدن ولو نمادین در رده های بالا و پائین رژیم های مزدور و دست نشاندۀ متجاوزان بوده اند و این عمل خود را راز بقاء و مبارزه نامیده و به آن بالیده اند. اما به رغم این، در حالی که کشور آبائی ما در اشغال امپریالیست های متجاوز، اشغالگر، جنگ افروز، تاراجگر و قاتل است و ارزش های مادی و معنوی کشور ما آماج یورش و یغمای مشترک اشغالگران و ایادی خودفروخته و مرتجع بومی و منطقه ئی آنان؛ هم دول و نیرو های اشغالگر و هم ارتجاع بومی در زمره دشمنان عمده و اساسی خلق و کشور ما اند. در چنین حالتی هر گونه همکاری، همدستی، همسوئی و همفکری فردی و جمعی با این دشمنان عمده به هر نام و تحت هر بهانه ای و در هر شکل و شمائلی، با هر شعار فریبنده ای و هر نوع تغذیه و تمویلی از منابع اشغالگران؛ پا گذاشتن روی منافع علیای ملی، نقض تضاد عمده و عبور از خط قرمز است. ارتکاب هر یکی از موارد فوق توسط افراد یا نهاد های مکیاژ شده، در حکم و مشمول خیانت ملی و خیانت تاریخی است.

بروز طیف های مختلف توابع ها، مرتدان، منحرفان و تسلیم طلبان در سطح کشور و درون تشکل های انقلابی؛ علاوه از عوامل تاریخی، زاده ضربات وارده بر پیکر جنبش انقلابی و رهائیبخش طی چهار دهه اخیر و در نتیجه فقدان شخصیت های تأثیرگذار تئوری پرداز، بروز انحرافات فکری - سیاسی از نوع اپورتونیزم راست، لیبرالیسم، اندیویدوآلیسم و تکروی، انحلال طلبی و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی در فقدان مبارزه سالم ایدئولوژیک - سیاسی در درون نهاد های انقلابی و فقدان مبارزه آزادیبخش و انقلابی مؤثر در گستره جامعه همراه با شرایط دشوار و ناسازگار حاکم در این چهار دهه اخیر بوده است.

تجربه اندیشه و عملکرد انحرافی طیف های مختلف توابع در این نژده سال اشغال کشور و حضور اشغالگران در آن به صراحت نشان داد که بدون استثناء، عمل این خیل ریاکاران و جوفروشان گندم نمای رنگارنگ با ادعا و تظاهر شان منافات بزرگی داشته است.

پادزهر این همه سموم فکری و ابزار و روش های مؤثر مبارزه با انحرافات فکری - سیاسی تسلیم طلبانه، انحلال طلبانه، ارتداد و مسخ فکری فوق در گستره تشکل ها و جامعه، در گرو پا فشردن بر خط فکری - سیاسی و موازین تشکیلاتی پیشرو و تدارک و راه اندازی مبارزه انقلابی و رهائیبخشی است که هر نوع پلشتی را به آتش می کشد. به قول زنده یاد "قیوم رهبر" مبارزه انقلابی و آزادیبخش "آن مدرسه عظیمی است که در آن توده های مردم آمادگی لازم را برای پذیرش افکار و تلقیات انقلابی فرامی گیرند و توهمات ناشی از عقب ماندگی تاریخی خود را در آتش مبارزات مسلحانه می سوزانند". مائو تسه دون نیز در این زمینه برداشت درست و رهنمود کارسازی را در قعر آتش جنگ انقلابی ارائه کرده است: "جنگ انقلابی پادزهریست که نه تنها زهر دشمن را خنثی می کند، بلکه آلودگی ها و چرکی های خود ما را نیز می زداید."